

تأثیر سیاست‌های کارآفرینی و محیط کسب و کار بر توسعه کارآفرینی

علی داوری*¹ - قاسم رمضانپور نرگسی² - راحله افراسیابی³ - الهه داوری⁴

1. استادیار دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران

2. استادیار سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران

3. دانشجوی دکتری کارآفرینی دانشگاه تهران

4. کارشناسی ارشد کارآفرینی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: 1396/11/2

تاریخ پذیرش: 1397/2/19

چکیده

افزایش فعالیت‌های کارآفرینانه در یک جامعه به محیطی پیش برنده برای افزایش تعداد کارآفرینان و رشد شرکت‌ها نیاز دارد. مطالعات نشان می‌دهد عواملی مانند محیط کسب و کار بر توسعه کارآفرینی تأثیر مستقیم دارد. بنابراین بهبود عوامل محیطی برای رشد پایدار کسب و کارها لازم است. هدف این پژوهش (1) بررسی تأثیر سیاست‌های کارآفرینی و محیط کسب و کار بر توسعه کارآفرینی و (2) سنجش وضعیت موجود است. اجزای اصلی مدل مفهومی سیاست‌های محیط کسب و کار، سیاست‌های کارآفرینی و توسعه کوتاه و بلندمدت را شامل می‌شود. این تحقیق بر حسب هدف کاربردی و برحسب روش گردآوری اطلاعات توصیفی - همبستگی است. پرسشنامه محقق ساخته بین جامعه آماری شامل کارشناسان و مدیران نهادهای سیاست‌گذار و اجرایی حوزه کارآفرینی (شامل وزارت اقتصاد، وزارت کار و تعاون و رفاه اجتماعی، وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت علوم، سازمان برنامه و بودجه و مرکز پژوهش‌های مجلس) به روش تصادفی طبقه‌ای توزیع و در 415 پرسشنامه جمع‌آوری شده است. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل عاملی تأییدی، تحلیل مسیر و آزمون t یک نمونه‌ای استفاده شد. نتایج پژوهش مناسب بودن این مدل مفهومی و روابط آن را نشان می‌دهد اما سیاست‌های کارآفرینی، محیط کسب و کار و توسعه کارآفرینی در وضعیت پیش برنده‌ای قرار ندارند.

واژه‌های کلیدی: توسعه کارآفرینی، سیاست‌های کارآفرینی، محیط کسب و کار

مقدمه

مطالعات نشان می‌دهد که رشد اقتصادی شرط لازم برای دستیابی به کیفیت بهتر زندگی بوده و کارآفرینی راهکاری به‌منظور دستیابی به توسعه اقتصادی، به‌ویژه در کشورهای جهان سوم می‌باشد (Salmi, 2008). شواهد بسیاری مبنی بر سهم شرکت‌های کوچک و جدید کارآفرین در پویایی صنایع و منافع اقتصادی وجود دارد. از این‌رو بر کارآفرینی به‌عنوان عامل رشد اقتصادی تأکید می‌شود (Murdock, 2012).

تفاوت‌های سطح کارآفرینی در کشورها، برخی از پژوهشگران را بر تمرکز روی شاخص‌های سطح کلان ترغیب کرده است. دیدگاه‌های اقتصادی بر نقش کارآفرینان در توسعه اقتصادی، تأکید دارند. منافع اقتصادی ایجادشده توسط کارآفرینان شامل طیفی از نوآوری (Acs and Audretsch, 1988) تا اشتغال‌زایی (Parker, 2005) و بهره‌وری (van Praag & Versloot, 2007) تا تسهیل انتقال فناوری و سرریز دانش از تحقیق تا صنعت است (Grimaldi et al., 2011; Plummer and Acs, 2014). افزون‌بر دیدگاه‌های نظری، مطالعات تجربی نیز بر نقش کارآفرینی در رشد اقتصادی تأکید دارند. برای مثال OECD یکی از مهم‌ترین منابع تحلیل اقتصادی پیوندهای بین فعالیت کارآفرینانه و رشد اقتصادی را ارائه داده است (OECD, 2014). هم‌چنین مدل GEM بر ارتباط بین فعالیت‌های کارآفرینانه و رشد اقتصادی تأکید دارد (GEM, 2017).

در دهه‌های گذشته سیاست‌گذاران در کشورهای مختلف، سیاست‌های عمومی کارآفرینی را برای رشد اقتصادی تدوین کرده‌اند. سیاست‌های عمومی، الگویی از رویه‌ها و مقررات برای حل یک مسئله عمومی است. از آنجایی که کارآفرینی یک مسئله عمومی می‌باشد، در نتیجه برای توسعه آن نیاز به سیاست‌های خاص است (Rocha & Birkinshaw, 2007). بسیاری از دولت‌های ملی و منطقه‌ای با هدف توسعه کارآفرینی با تغییر قوانین و اجرای برنامه‌های جدید (Hölzl, 2010) در راستای رشد اقتصادی اقدام کرده‌اند (Autio et al., 2014). برخی از مهم‌ترین سیاست‌های دولت برای توسعه کارآفرینی عبارت‌اند از: بهبود عوامل قانونی مانند استخدام، مالیات‌ها، آموزش، دسترسی به فناوری، و رسمی‌سازی بخش غیررسمی اقتصاد

(Soriano & Martín, 2012). با این حال بحث سیاست‌های کارآفرینی در مراحل اولیه تکامل خود قرار دارد (Stenholm et al., 2013).

ایران از جمله کشورهای در حال توسعه بوده و با چالش‌های بزرگی روبه‌رو می‌باشد. تعداد افراد دارای تحصیلات دانشگاهی و تعداد جمعیت جوان جویای کار در سال‌های اخیر افزایش یافته است. هم‌چنین افزایش نرخ تورم، پرداخت یارانه‌ها و پایین بودن بهره‌وری و عدم مشارکت کافی بخش خصوصی مهم‌ترین چالش‌های اقتصاد ایران به شمار می‌رود. برای مقابله با بیکاری، اقتصاد ایران باید به نرخ رشد اقتصادی بالایی دست پیدا کند. این مسأله نیازمند مشارکت بیشتر بخش خصوصی در اقتصاد به‌ویژه بخش غیرنفتی می‌باشد. یکی از راهبردها برای این هدف، توسعه کارآفرینی است. بنابراین این مقاله با هدف بررسی تأثیر سیاست‌های کارآفرینی و محیط کسب و کار بر توسعه کارآفرینی و سنجش وضعیت موجود تدوین شده است. در این مقاله ابتدا در مبانی نظری متغیرهای سه‌گانه سیاست‌های بهبود محیط کسب و کار، سیاست‌های کارآفرینی و توسعه کوتاه و بلندمدت مرور خواهد شد. در ادامه مدل مفهومی و فرضیه‌ها معرفی و در بخش بعدی روش تحقیق و نتایج بررسی می‌شود. در بخش پایانی هم نتایج و پیشنهادها بررسی می‌شوند.

مروری بر مبانی نظری و پیشینه تحقیق

در زمینه تعریف کارآفرینی و عوامل فردی و محیطی اثرگذار بر کشف و بهره‌برداری فرصت‌ها تفاوت دیدگاه وجود دارد. برخی از پژوهشگران بر کارآفرینی توسط یک فرد با ویژگی‌های مشخص تمرکز کرده‌اند و عده‌ای دیگر از پژوهشگران اهمیت عوامل محیطی نظیر قوانین و فرهنگ ملی را مورد توجه قرار داده‌اند. با این حال با وجود تعریف دقیق از این اصطلاح، کارآفرینی در بسیاری از کشورهای جهان محور اصلی سیاست‌های اقتصادی است (Hölzl, 2010). به‌عنوان نمونه کری و ثوریک¹ در پژوهش خود با استفاده از اندازه‌گیری فعالیت‌های کارآفرینی بر اساس داده‌های GEM رابطه مثبت بین کارآفرینی و رشد اقتصادی را نشان دادند (Murdock, 2012). حال چنانچه کارآفرینی را به‌عنوان نظامی متشکل از کارآفرینان

بالمقوه و بالفعل، نهادها و عملکرد دولت بدانیم، نتیجه مطلوب سیاست کارآفرینی باید افزایش فعالیت‌های کارآفرینان باشد. ورهال و همکاران¹ (2001) به این منظور پنج خط‌مشی برای مداخله دولت پیش‌بینی کرده است: (1) دولت باید بتواند بر تقاضای کارآفرینی اثرگذار باشد، به این معنی که در مورد نوع، تعداد و در دسترس بودن فرصت‌ها مداخله داشته باشد؛ (2) اثرگذاری بر عرضه کارآفرینان بالمقوه؛ (3) اثرگذاری دولت بر دسترس بودن منابع و دانش کارآفرینان بالمقوه؛ (4) شکل‌گیری ارزش‌های کارآفرینی در جامعه از طریق آموزش و (5) کاهش ریسک و هزینه فرصت‌های از دست‌رفته در فرآیندهای تصمیم‌گیری کارآفرینان.

سیاست‌های کارآفرینی به‌منظور گسترش کارآفرینی هستند و در مراحل پیش از شروع، هنگام شروع و پس از شروع فرآیند کارآفرینان، مدنظر قرار می‌گیرند (Arshed et al., 2014). این سیاست‌ها بر ایجاد انگیزش، فرصت و مهارت‌ها تأثیر دارند (Lundstrom & Stevenson, 2005) و می‌توانند شامل کارآفرینی نوآورانه، کاهش تشریفات اداری، مشاوره و اطلاع‌رسانی، آموزش کارآفرینی، سیاست‌های ترویجی و کمک مالی باشد (IPREG, 2011). در واقع ترکیبی از این سیاست‌هاست که می‌تواند سطح فعالیت‌های کارآفرینانه در سطح جامعه و چگالی بنگاه‌های کوچک و متوسط را افزایش دهد. ادبیات سیاست‌های عمومی برای کارآفرینی می‌تواند به بخش‌های مختلفی تقسیم شود. سیاست‌های کارآفرینی در ابتدا بر ایجاد یک محیط مناسب برای شرکت‌های کوچک و متوسط تأکید داشته‌اند. نوع دیگری از سیاست‌های کارآفرینی بر حوزه‌های فردی به‌منظور تشویق کارآفرینی مانند آموزش تمرکز دارند (Murdock, 2012). اما صرف تدوین سیاست‌های توسعه کارآفرینی، بیانگر پیشرفت و افزایش سطح کارآفرینی نیست و مداخله‌های سیاسی در چارچوب محیط کسب‌وکار نیز باید مورد توجه قرار گیرد (Storey, 2008). از این‌رو توجه به بهبود فضای کسب‌وکار علاوه بر اجرای سیاست‌های کارآفرینی از ضرورت‌های سیاست‌های کارآفرینانه اثرگذار و پایدار است. به‌منظور طراحی مدل عوامل اثرگذار بر توسعه کارآفرینی، فرض اساسی آن است که بهبود محیط کسب‌وکار شرط اساسی رشد طبیعی و پایدار بخش خصوصی و شرکت‌های کوچک

و بزرگ کارآفرینی می‌باشد. با توجه به فرض مطرح‌شده، در این مقاله مدل‌های نظری مختلف به دو گروه بهبود محیط کسب‌وکار و سیاست‌های کارآفرینی تقسیم شدند. در ادامه، مدل مفهومی در سه بخش محیط کسب‌وکار، سیاست‌های توسعه کارآفرینی و نتایج توسعه کارآفرینی پیشنهاد شده است که در ادامه به بررسی ابعاد اصلی مدل پیشنهادی می‌پردازیم.

1- سیاست‌های بهبود محیط کسب‌وکار

مؤلفه‌های محیط کسب و کار، عواملی هستند که بر عملکرد کسب‌وکارها اثرگذارند، اما خارج از کنترل صاحبان کسب‌وکارها هستند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، 1395). یونیدو (2008) محیط کسب‌وکار را شامل قوانین و شرایط نهادی مانند هزینه مجوزها، تشریفات اداری، مالیات، هزینه‌های نیروی کار معرفی کرده است (داوری، 1391).

امروزه نهادهای بین‌المللی (مانند بانک جهانی) بر این باورند که رفع موانع توسعه بخش خصوصی یا همان بهبود محیط کسب‌وکار بر توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه تأثیر دارد (Soriano & Martín, 2012). چرا که لازمه توسعه کسب‌وکارها، ایجاد محیط کسب‌وکار مطلوب بوده و در آن دولت از رقابت اقتصادی حمایت، قوانین باثبات و روشنی را ایجاد و به‌طور اثرگذار موانع اداری بازدارنده کارآفرینی را به حداقل می‌رساند. درک مثبت جامعه از محیط کسب‌وکار امکان دارد علاقه بیشتری را برای شروع کسب‌وکار ایجاد کند که می‌تواند منجر به نرخ بالاتر GDP و نرخ اشتغال بالاتر شود (Belás et al., 2015).

بررسی بانک جهانی نشان می‌دهد که بین راه‌اندازی کسب‌وکار و محیط کسب‌وکار رابطه مستقیم وجود دارد. در جایی که نهادهای قوی مانند حمایت از حقوق مالکیت، نظام مالیاتی و حاکمیت قانون اثربخش باشد، به احتمال زیاد کارآفرینی از نوع مولد شکل خواهد گرفت. به عبارتی شرایط و چارچوب محیطی موجب افزایش فعالیت‌های کارآفرینانه می‌شود (Stenholm et al., 2013).

در زمینه بهبود محیط کسب‌وکار چند گزارش بین‌المللی به صورت سالانه منتشر می‌شود. برای نمونه گزارش سالانه رقابت‌پذیری جهانی مجمع جهانی اقتصاد که یکی از مراجع مهم بهبود فضای کسب‌وکار و رقابت‌پذیری است، دربرگیرنده سه بُعد با 12 رکن در جهت ارتقای

عملکرد اقتصادی کشورهاست. بعد اول شامل عوامل پایه‌ای از جمله نهادها، زیرساخت‌ها، ثبات شاخص‌های کلان اقتصادی، بهداشت و آموزش‌های مقدماتی. بعد دوم عوامل توانمندساز شامل تحصیلات دانشگاهی و آموزش کارکنان، کارایی بازار محصولات و بازار کار، توسعه بازار مالی، آمادگی فناورانه و اندازه بازار و بعد سوم عوامل نوآوری را شامل می‌شود (World Economic Forum, 2017). هم‌چنین بانک جهانی سالیانه 10 شاخص مختلف فضای کسب و کار را بررسی می‌کند. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: 1) شروع کسب و کار؛ 2) اخذ مجوزهای لازم؛ 3) استخدام و اخراج کارکنان؛ 4) ثبت دارایی‌ها؛ 5) اخذ تسهیلات و اعتبارات؛ 6) حمایت از سرمایه‌گذاران؛ 7) پرداخت مالیات؛ 8) تجارت خارجی؛ 9) کارایی نظام قضایی در الزام آور بودن قراردادها و 10) اعلام ورشکستگی و خاتمه دادن به کسب و کار (World Bank, 2017).

به دلیل اهمیت بهبود فضای کسب و کار در ایران، گزارش‌های پایش محیط کسب و کار ایران از تابستان 1389 توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی منتشر می‌شود. در سال 1395، از 21 مؤلفه ملی محیط کسب و کار ایران، نمره کلی 4/6 از 10 بوده و در مقایسه با سال 1394 تغییر چندانی نداشته است (مرکز پژوهش‌های مجلس، 1395).

با توجه به این موارد به نظر می‌رسد سیاست‌های بهبود شرایط حقوقی، قانونی، سیاسی و اقتصادی پیش‌نیاز رشد کسب و کارهای کوچک و بزرگ بوده و بهبود محیط کسب و کار به عنوان یکی از ارکان توسعه کارآفرینی با بهبود نهادها، ثبات اقتصاد کلان، نظام بازار، نظام آموزش، سلامت، زیرساخت‌های عمومی، نظام مالی و نظام نوآوری مرتبط است.

2- سیاست‌های خاص توسعه کارآفرینی

بین سیاست توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط و سیاست توسعه کارآفرینی رابطه وجود دارد، اما این دو سیاست یکسان نیستند (Lundstrom & Stevenson, 2005; Audrestch et al., 2007). این دو سیاست مجموعه شرکت‌های متفاوتی را تحت پوشش خود قرار می‌دهند و منطبق و اهداف متفاوتی دارند. سیاست SMEs در وهله اول به دنبال توسعه شرکت‌های موجود است. در مقابل، سیاست کارآفرینانه بیشتر بر فرد کارآفرین متمرکز می‌باشد. ماهیت چندبعدی

کارآفرینی منجر به شکل‌گیری تعاریف مختلف کارآفرینی و بروز سیاست‌های کارآفرینانه متفاوت شده است (Hözl, 2010).

نقش دولت‌ها در توسعه کارآفرینی با دو جهت‌گیری کلی شامل کاهش موانع کارآفرینی و تشویق کارآفرینی تعیین می‌شود. مقایسه تطبیقی سیاست‌های کارآفرینی در کشورهای شامل استرالیا، تایوان، ایالات متحده، کانادا، فنلاند، ایرلند، اسپانیا، هلند، سوئد و انگلستان نشان می‌دهد که ابعاد سیاست‌های توسعه کارآفرینی را می‌توان در 6 گروه دسته‌بندی کرد که عبارت‌اند از: 1) ارتقای (ترویج) کارآفرینی؛ 2) آموزش کارآفرینی در نظام آموزشی؛ 3) کمک به ورود، بقا و رشد و خروج آسان شرکت‌های نوپا به وسیله کاهش ضرورت‌های اداری و نظارتی؛ 4) تأمین سرمایه اولیه و راه‌اندازی؛ 5) پشتیبانی از شرکت‌های نوپا، افزایش کمیّت و کیفیت حمایت از کسب‌وکارها برای کارآفرینان در حال ظهور و جدید؛ 6) افزایش نرخ‌های راه‌اندازی کسب‌وکار بین گروه‌های هدف خاص (مانند جوانان و زنان) و یا کارآفرینان نوآور (Lundström & Stevenson, 2005). البته این سیاست‌ها می‌تواند در دو گروه سیاست‌های گسترده و محدود یا کلان و خرد نیز گروه‌بندی شود (Lundström et al., 2014).

سیاست‌های کارآفرینی بر آموزش کارآفرینی و اقدام‌های حمایتی و پشتیبانی متمرکز است تا سطح فعالیت‌های کارآفرینانه در جامعه افزایش یابد (Arshed et al., 2014). کشورها به‌طور معمول بر ابعاد آموزش کارآفرینی، کمک‌های مالی، خدمات حمایتی، توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط و حمایت از گروه‌های خاص و تدوین سیاست‌های کارآفرینی تأکید دارند.

3- توسعه کارآفرینی (نتایج)

با بهبود شرایط توسعه کارآفرینی، در نهایت تعداد شرکت‌های راه‌اندازی شده جدید و تعداد اختراعات ثبت‌شده توسط شرکت‌های نوآور در یک کشور یا منطقه افزایش می‌یابد (UNECE, 2008). محدوده زمانی اجرای سیاست کارآفرینی 42 ماه بعد از راه‌اندازی در نظر گرفته می‌شود. شواهد نشان می‌دهد که شرکت‌های جدید در طول سه تا پنج سال اول کسب‌وکار بسیار آسیب‌پذیرند (OECD, 2007) و بعد از دو سال اول، شانس بقا یک شرکت بهبود می‌یابد. در طول این دوره اولیه، لازم است کارآفرینان تا حدود زیادی از مشاوره

تخصصی، شبکه‌ها و سایر منابع سود ببرند. هم‌چنین شرکت‌های دارای رشد بالا اغلب مسیر رشدشان را در سال‌های اولیه پیشرفت آغاز می‌کنند و سیاست‌های کارآفرینی بایستی به رفع موانع در همان سال‌های اول کمک کنند (Lundstrom & Stevenson, 2005).

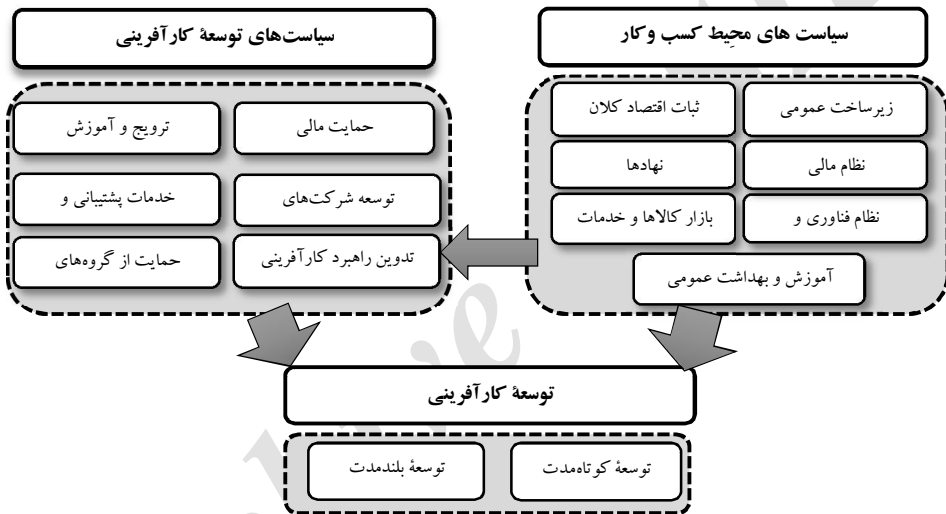
نتایج توسعه کارآفرینی می‌تواند در دو بخش کوتاه‌مدت و بلندمدت بررسی شود (OECD, 2016). توسعه کوتاه‌مدت شامل تأسیس شرکت‌های جدید و غیره است. با تحقق اهداف کوتاه‌مدت بستر لازم برای توسعه پایدار و بلندمدت شامل بهبود رشد اقتصادی، کاهش اقتصاد زیرزمینی و افزایش عدالت اجتماعی فراهم می‌شود.

چارچوب نظری تحقیق

ویژگی‌های یک منطقه یا کشور بر تصمیم‌گیری کارآفرینان تأثیر دارد و می‌تواند راه اندازی و موفقیت کسب‌وکار را بهبود دهد (داوری و همکاران، 1396). بنابراین سیاست‌های بهبود محیط کسب‌وکار و سیاست‌های کارآفرینانه می‌تواند به عملکرد کارآفرینانه منجر شود؛ از این رو براساس مباحث مطرح شده، مدل صفحه بعد تدوین شده است. (شکل 1)

در این مدل، سیاست‌های کارآفرینی به مفهوم حمایت‌های خاص دولت شامل وام و کمک‌های مالی، تشویق کسب‌وکارها به استخدام، آموزش اطلاع‌رسانی به کارآفرینان (Millman and Li, 2017)، خدمات پشتیبانی و مدیریتی مانند خدمات آزمایشگاهی، کمک به شرکت‌های کوچک و جدید (Lundström and et al., 2014) و حمایت از گروه‌های هدف خاص مانند زنان، جوانان، کارآفرینان فناور و تدوین راهبرد کارآفرینی (UNCTAD, 2012) است. هم‌چنین علاوه بر توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه، بهبود محیط کسب‌وکار در جهت گسترش کسب‌وکارها و رشد اقتصادی اهمیت دارد (Korez-Vide & Tominc, 2016). سنجش محیط کسب‌وکار شامل اندازه‌گیری قوانین و اجرای آنهاست که بر اقدام‌های کارآفرینانه شامل راه‌اندازی و فعالیت‌های کسب‌وکارها تأثیر دارد (Worldbank, 2017). در این تحقیق با بهره‌گیری از مدل مجمع جهانی اقتصاد (2017) سیاست‌های محیط کسب‌وکار شامل بهبود شرایط نهادی (OECD, 2014) در قوای مقننه، مجریه و قضاییه، نظام آموزشی ابتدایی و دانشگاهی برای تربیت نیروی کار، نظام بهداشتی و درمانی در دسترس و کارآمد، ثبات

اقتصادی (نرخ بهره مناسب، عدم تغییر ناگهانی نرخ ارز، تورم پایین) بهبود زیرساخت‌ها (شامل زیرساخت سخت مانند حمل و نقل و زیرساخت نرم مانند فناوری اطلاعات و اینترنت و انرژی مانند برق)، نظام مالی کارآمد، نبود انحصار در دسترسی به بازارهای محلی، منطقه‌ای و خارجی، دسترسی به فناوری و نوآوری‌های سایر کشورها و نبود تحریم‌ها بر فعالیت‌های کسب و کار سنجدیده شده است. اجرای کارآمد سیاست‌های کارآفرینی و بهبود محیط کسب و کار به گسترش فعالیت‌های کارآفرینانه منجر می‌شود (Fuentelsaz et al., 2015).



شکل 1. چارچوب نظری پژوهش

توسعه کارآفرینی به مفهوم افزایش تعداد شرکت‌های جدید و افراد کارآفرین، ارتقا فعالیت‌های کارآفرینانه مولد و درنهایت توسعه اقتصادی است. توسعه کارآفرینی را می‌توان در قالب توسعه کوتاه‌مدت (مانند استخدام بیشتر، تعداد شرکت بیشتر) و توسعه بلندمدت (مانند رسمیت بیشتر بخش اقتصاد زیرزمینی، کاهش فقر، شغل آفرینی) دسته‌بندی شده است (OECD, 2016).

تعریف عملیاتی سه متغیر (سیاست‌های کارآفرینی، محیط کسب و کار و توسعه کارآفرینی) و ابعاد بیان شده آن‌ها، نمره‌ای است که در مقیاس 5 گزینه‌ای لیکرت از جمع سوالات پرسشنامه به دست می‌آید.

براساس اهداف پژوهش (اثرگذاری سیاست‌های کارآفرینی و محیط کسب و کار بر توسعه کارآفرینی و سنجش وضعیت موجود) 6 فرضیه تدوین شد هدف از فرضیه‌های 1، 2 و 3 بررسی روابط علی بین متغیرهای مدل مفهومی بوده و هدف از تدوین فرضیه‌های 4، 5 و 6 بررسی وضعیت موجود سیاست‌های بهبود محیط کسب و کار و سیاست‌های توسعه کارآفرینی و توسعه کارآفرینی در کشور است.

بخش اول: بررسی روابط علی مدل مفهومی

- 1) سیاست‌های بهبود محیط کسب و کار بر توسعه کارآفرینی تأثیر دارد.
- 2) سیاست‌های توسعه کارآفرینی بر توسعه کارآفرینی تأثیر دارد.
- 3) محیط کسب و کار از طریق سیاست‌های کارآفرینی بر توسعه کارآفرینی تأثیر دارد.

بخش دوم: سنجش وضعیت موجود متغیرهای مدل مفهومی

- 4) سیاست‌های محیط کسب و کار کشور در وضعیت پیش برنده نیست و نیازمند بهبود

هستند.

- 5) سیاست‌های کارآفرینی کشور در وضعیت پیش برنده نیست و نیازمند بهبود هستند.
- 6) توسعه کارآفرینی در کشور در وضعیت قابل قبول نیست و نیازمند بهبود است.

روش‌شناسی تحقیق

مسئله اصلی این تحقیق بررسی تأثیر سیاست‌های کارآفرینی و محیط کسب و کار بر توسعه کارآفرینی و ارزیابی وضعیت موجود این سیاست‌هاست. این تحقیق بر حسب هدف کاربردی می‌باشد و بر حسب روش گردآوری اطلاعات توصیفی - همبستگی است. برای پاسخ به اهداف و فرضیه‌ها از ارزیابی نگرش متخصصان نسبت به سیاست‌های کارآفرینی استفاده شد. از این رو ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه با مقیاس 5 گزینه‌ای لیکرت (کم، نسبتاً کم، متوسط، نسبتاً زیاد و زیاد) می‌باشد. به دلیل نبود پرسشنامه‌های استاندارد، براساس مطالعه مبانی نظری،

پرسشنامه‌ای به صورت محقق ساخته تدوین شد. برای سنجش اعتبار پرسشنامه از دیدگاه خبرگان دانشگاهی استفاده شد. بعد از جمع آوری پرسشنامه تحلیل‌ها نشان داد روایی تحلیل عاملی تأییدی و آلفای کرونباخ قابل قبول است (جدول 1). جامعه آماری این تحقیق متخصصان و کارشناسان حوزه‌های مرتبط با توسعه کارآفرینی در سطح دولت می‌باشد. از این رو 4 وزارتخانه و 2 سازمان انتخاب شدند. معیار انتخاب دپارتمان‌ها در این وزارتخانه‌ها، فعالیت تخصصی در حوزه توسعه کارآفرینی، بهبود فضای کسب و کار و صنایع کوچک است. به منظور محاسبه حجم نمونه از فرمول $n = Z^2pq/S^2e$ استفاده شد که در سطح اطمینان 95% مقدار Z برابر با 1/96 است. p و q برابر با 0/5 و میزان خطا معادل 0/05 بوده و حجم نمونه 384 نفر محاسبه شد. با توجه به احتمال ریزش افراد در نمونه‌گیری و پرسشنامه‌های فاقد اعتبار حدود 500 پرسشنامه به روش طبقه‌ای - تصادفی توزیع و در نهایت 415 پرسشنامه برای تحلیل داده‌ها انتخاب شد. 14% پاسخگویان از وزارتخانه اقتصاد و دارایی (معاونت امور اقتصادی، دفتر پایش و بهبود محیط کسب و کار)، 31% وزارت کار و تعاون و رفاه اجتماعی (معاونت توسعه کارآفرینی و اشتغال، موسسه کار)، 20% وزارت صنعت، معدن و تجارت (موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، سازمان توسعه تجارت ایران، سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی، صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک) 29% وزارت علوم (شامل بخش اشتغال جهاد دانشگاهی، پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد استان‌ها) 5% از سازمان برنامه و بودجه و مرکز پژوهش‌های مجلس (معاونت پژوهش‌های اقتصادی) می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزارهای SPSS24 و LISREL8 انجام شد و از روش‌های آلفای کرونباخ، تحلیل عاملی تأییدی، تحلیل مسیر و آزمون t یک نمونه‌ای استفاده شد که نتایج آن‌ها در ادامه بررسی شده است.

جدول 1. ویژگی فنی پرسشنامه‌های تحقیق

روایی (تحلیل عاملی تأییدی)				پایایی	معیار پذیرش
CFI	NNFI	RMSEA	χ^2/df	آلفای کرونباخ	
>0.9	>0.9	0.08<	3<	>0.7	
0/98	0/97	0/06	2/54	0/95	بهبود محیط کسب و کار
0/98	0/98	0/05	2/36	0/96	سیاست‌های کارآفرینی
0/93	0/99	0/06	2/55	0/94	توسعه کارآفرینی

یافته‌ها

جدول 2 تحلیل داده‌های جمعیت‌شناختی را نشان می‌دهد.

جدول 2. درصد فراوانی داده‌های جمعیت‌شناختی

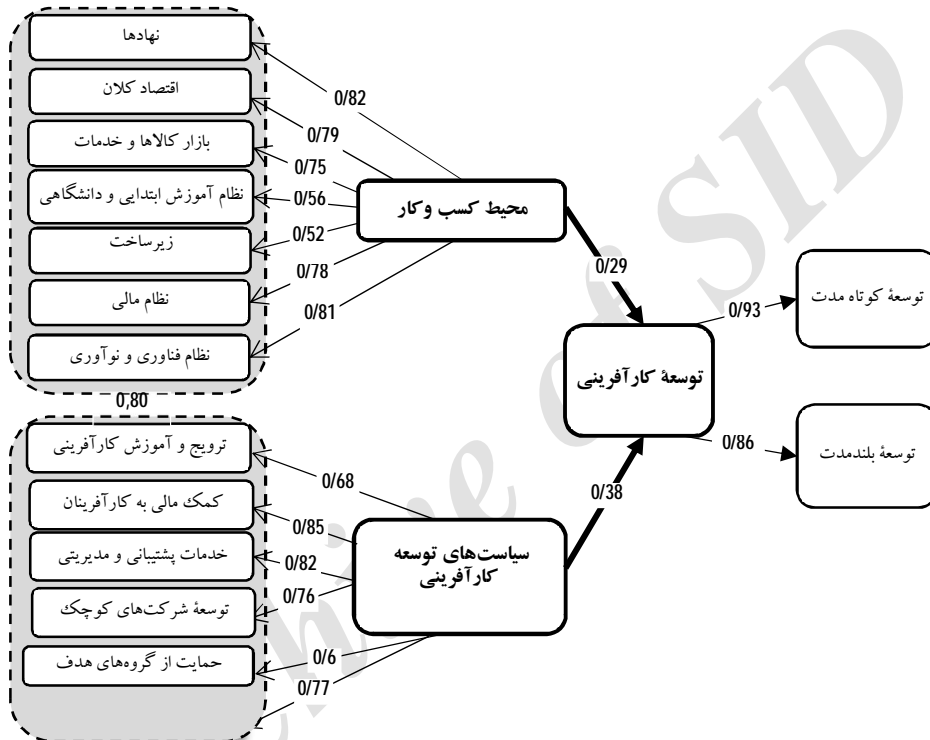
فراوانی	تحصیلات	فراوانی	جنسیت
5%	دیپلم و کاردانی	51%	کمتر از 10 سال
44%	کارشناسی	20%	بین 11 تا 15 سال
50%	کارشناسی ارشد و دکتری	29%	بیش از 15 سال

در ادامه یافته‌های اصلی تحقیق در دو بخش مطرح شده‌اند.

بخش اول) بررسی فرضیه‌های مدل (تحلیل مسیر)

شاخص‌های تناسب مدل حاکی از مناسب بودن مدل تحلیل مسیر دارند. زیرا نسبت کای دو بر درجه آزادی کمتر از 3، شاخص RMSEA کمتر 0/08 و شاخص‌های NNFI و CFI بیش از 0/9 هستند. به بیان دیگر مدل و چارچوب کلی سنجش تحلیل مسیر معنادار و قابل پذیرش است. در حالت تخمین استاندارد امکان مقایسه بین متغیرهای مشاهده‌گر و متغیرهای مکنون به دلیل یکسان بودن مقیاس‌های متغیرهای مشاهده‌گر وجود دارد. در این حالت می‌توان ضرایب استاندارد شده مسیرها را باهم مقایسه کرد. به منظور بررسی معنادار بودن، ضرایب مسیرها (بین

متغیرهای مشاهده‌گر یا شاخص‌ها و متغیرهای مکنون و یا مؤلفه‌ها) به شاخص t تبدیل شده‌اند. مقدار بحرانی نیز در سطح اطمینان 95% برابر 1/96 است. بیشتر روابط علی بین متغیر مکنون برون‌زا و درون‌زا و سایر پارامترهای مدل معنادار شده‌اند.



شکل 2. مدل تحلیل مسیر

جدول 3. شاخص‌های برازندگی تحلیل مسیر

CFI	NNFI	RMSEA	X ² /df
0/99	0/99	0/05	2/27

در سطح اطمینان 95% با توجه به نتایج جدول 3 و پذیرش فرضیه‌ها براساس ضرایب مدل تحلیل مسیر می‌توان گفت که مدل بیان‌شده و روابط آن قابل قبول است.

بخش دوم: سنجش وضعیت موجود (آزمون T یک نمونه‌ای)

به منظور بررسی این که آیا ابعاد مدل مفهومی توسعه کارآفرینی کشور در وضعیت فعلی در سطح مناسب، مطلوب و رضایت بخش قرار دارد یا خیر، از آزمون t یک نمونه‌ای استفاده شده است. در این آزمون با توجه به مقیاس 5 گزینه‌ای (1 الی 5) پرسشنامه مقدار آزمون برابر با 3 در نظر گرفته شده است. نتیجه این آزمون نشان می‌دهد که فرضیه‌های 4، 5 و 6 پذیرفته می‌شوند. از این رو در سطح اطمینان 95% می‌توان گفت با توجه به منفی بودن حد پایین و بالا، میانگین ابعاد اصلی پژوهش از مقدار آزمون (عدد 3) کوچک تر است (جدول 5). به بیان دیگر سیاست‌های محیط کسب و کار، سیاست‌های کارآفرینی و نتایج در وضعیت پیش برنده قرار ندارد و نیازمند بهبود هستند.

جدول 4. بررسی فرضیه‌های 1 تا 3 (تحلیل مسیر)

فرضیه	ضریب مسیر	آماره t
1) سیاست‌های محیط کسب و کار توسعه کارآفرینی تأثیر دارد.	0/29	3/58
2) سیاست‌های کارآفرینی بر توسعه کارآفرینی تأثیر دارد.	0/38	68/4
3) محیط کسب و کار از طریق سیاست‌های کارآفرینی بر توسعه کارآفرینی تأثیر دارد.	0/22=0/28*0/80	از محیط به سیاست گذاری = 18/33
		از سیاست گذاری به توسعه = 68/4

جدول 5. نتایج آزمون t یک نمونه‌ای فرضیه‌های 4 تا 6

ابعاد	میانگین	T	فاصله اطمینان	
			سطح معنادار	حد پایین / حد بالا
سیاست‌های محیط کسب و کار	2/24	-28/33	0/00	-0/81 / -0/7
سیاست‌های کارآفرینی	2/18	-29/04	0/00	-0/88 / -0/77
توسعه کارآفرینی	2/26	-19/08	0/00	-0/82 / -0/67

بحث و نتیجه گیری

با توجه به اهداف این پژوهش، در بخش اول تحلیل یافته‌ها به بررسی فرضیه‌های مربوط به روابط مدل توسعه کارآفرینی پرداخته شد. شاخص‌های تناسب مدل نشان‌دهنده مناسب بودن مدل تحلیل مسیر دارند. تأیید فرضیه‌های پژوهش بیانگر آن است که با وجود نامناسب بودن

وضعیت موجود و بازدارنده بودن شرایط (براساس داده‌های بخش دوم) در عین حال روابط مدل پذیرفته شده است و سیاست‌های موجود بر توسعه کارآفرینی تأثیر داشته‌اند. بر اساس تأیید فرضیه 1 محیط کسب و کار به صورت مستقیم بر توسعه کارآفرینی تأثیر دارد و در صورت بهبود محیط کسب و کار، فعالیت‌های کارآفرینانه بهبود خواهد یافت. بنابر تأیید فرضیه 3 می‌توان اظهار داشت بهبود محیط کسب و کار از طریق سیاست‌های کارآفرینی بر توسعه کارآفرینی تأثیر دارد. در این پژوهش نشان داده شد، بهبود محیط کسب و کار هم به صورت مستقیم و هم از طریق بهبود سیاست‌های توسعه کارآفرینی بر توسعه کارآفرینی تأثیر دارد. بحث تأثیر محیط کسب و کار بر کارآفرینی در پژوهش‌های مختلف بررسی شده و در اغلب گزارش‌ها و پژوهش‌ها بر نقش محیط کسب و کار بر نرخ کارآفرینی و توسعه آن تأکید شده است. به عنوان نمونه استنهلیم و همکاران¹ (2013) در مطالعه خود بر نقش شرایط چارچوب‌های محیطی در افزایش فعالیت‌های کارآفرینانه تأکید می‌کنند. در این راستا بهبود نهادها در کشور می‌تواند به توسعه بخش خصوصی و کارآفرینی کمک کند. نتایج با گزارش بانک جهانی (2017) انطباق دارد و بیان گر آن است که بهبود محیط کسب و کار بر توسعه فرصت‌های کارآفرینانه تأثیر مستقیم و مثبت دارد.

با تأیید فرضیه 2 می‌توان اظهار داشت که سیاست‌های کارآفرینی بر نتایج کارآفرینی تأثیر مستقیم دارد. در صورت به کارگیری سیاست‌های صحیح، کارآفرینی در کوتاه‌مدت و بلندمدت ارتقاء خواهد یافت. بررسی‌های آرشد و همکاران² (2014) نیز نشان می‌دهد موفقیت سیاست‌های کارآفرینی، نیازمند توجه بیشتر به تدوین مناسب این سیاست‌هاست. این نتیجه با دیدگاه مینیتی (2008)³ سازگار است. به زعم وی سیاست‌های کارآفرینی، محیط نهادی مناسبی را برای تصمیم‌گیری‌های کارآفرینانه شکل می‌دهد. بنابراین این نوع سیاست‌های خاص کارآفرینی برای توسعه کارآفرینی مهم هستند.

1 Stenholm et al

2 Arshed et al

3 Minniti, 2008

در بخش دوم تحلیل یافته‌ها، فرضیه‌های مربوط به سنجش وضعیت موجود بررسی شدند که براساس نتایج آزمون t یک نمونه‌ای هر سه بُعد سیاست‌های بهبود محیط کسب و کار، سیاست‌های کارآفرینی و توسعه کارآفرینی در سطح مطلوبی قرار نداشته و نیازمند بهبود هستند. نتیجه فرضیه 4 پژوهش به نوعی مؤید گزارش سالانه مرکز پژوهش‌های مجلس (1395) و گزارش بانک جهانی (2017) در مورد وضعیت محیط کسب و کار ایران است. زیرا با وجود بهبود وضعیت محیط کسب و کار در ایران در چند سال اخیر، ایران به نسبت سایر کشورهای جهان در وضعیت مطلوبی قرار ندارد و توسعه کارآفرینی نیازمند بهبود هر چه بیشتر سیاست‌های توسعه محیط کسب و کار است. بررسی بانک جهانی نشان می‌دهد که بین راه‌اندازی کسب و کار و محیط کسب و کار رابطه مستقیم وجود دارد. یعنی اگر دولت‌ها موانع قانونی شروع کسب و کارها را کاهش دهند، حجم فعالیت‌های کارآفرینانه رسمی افزایش می‌یابد. هم‌چنین نتایج فرضیه‌های 5 و 6 با نتایج گزارش سالانه GEI انطباق دارد. براساس این گزارش در سال 2017 رتبه ایران بین 137 کشور 85 است که بیانگر وضعیت به نسبت نامناسب ایران در سیاست‌های کارآفرینانه و نتایج کارآفرینانه می‌باشد.

در راستای بهبود محیط کسب و کار و سیاست‌های توسعه کارآفرینی اقدام‌هایی از جمله اجرای کارآمد برنامه‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی برای کارآفرینان، بهبود نهادها، بهبود نظام نوآوری و فناوری، ترویج و آموزش کارآفرینی برای افزایش مهارت‌ها و انگیزه‌های کارآفرینانه و بهبود ارزیابی برنامه‌های توسعه کارآفرینی را می‌توان پیشنهاد کرد. بایستی توجه داشت قانون‌گذاری بخش کوچکی از سیاست‌گذاری بوده و اجرای سیاست‌ها و توجه به تأثیر سیاست‌ها بر شرکت‌های کوچک اهمیت زیادی دارد. توجه به توسعه کارآفرینی مولد در سیاست‌گذاری به سیاست‌گذاران توصیه می‌شود. هم‌چنین توجه به جنبه‌های هدایتگری مانند دسترسی کارآفرینان به آخرین فناوری‌ها و صنایع بارورکننده در راستای کارآفرینی مولد ضرورت دارد (مرادی و همکاران، 1396). هم‌چنین با توجه به محدودیت‌های این پژوهش به سایر محققان پیشنهاد می‌شود: سیاست‌های کارآفرینانه در حوزه‌های خاص مانند فن تک‌ها بررسی شود، به رویکردهای نوین مانند اکوسیستم‌های کارآفرینی توجه شود و هم‌چنین به متغیرهای تعدیل‌گر مانند منطقه جغرافیایی نیز توجه شود.

منابع

- داوری علی؛ سفیدبری، لیلا و باقرصاد، وجیه (1396). عوامل اکوسیستم کارآفرینی ایران بر اساس مدل آیزنبرگ، توسعه کارآفرینی، دوره، 10(1): 100-120.
- داوری، علی (1391). ارائه مدل مفهومی نظام خط‌مشی گذاری توسعه کارآفرینی، چشم‌انداز مدیریت دولتی، دوره 3، شماره 11: 33-50.
- مرادی، محمد علی؛ سخدری، کمال و صنیعی، شیما (1396). تأثیر عوامل نهادی بر نرخ کارآفرینی بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه، توسعه کارآفرینی، 10(2): 339-358.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (1395). پایش محیط کسب‌وکار ایران در پاییز 1395.

- Acs, Z.J., Audretsch, D.B. (1988). Innovation in large and small firms—an empirical analysis. *American Economic Review* 78(4), 678–690.
- Amorós, J.E., Fernández, C., & Tapia, J. (2012). Quantifying the relationship between entrepreneurship and competitiveness development stages in Latin America. *International Entrepreneurship and Management Journal* 8 (3), 249-270.
- Arshed, N., Carter, S., & Mason, C. (2014). The ineffectiveness of entrepreneurship policy: is policy formulation to blame?. *Small Bus Econ* 43, 639–659. DOI 10.1007/s11187-014-9554-8.
- Autio, E., Kenney, M., Mustar, P., Siegel, D., & Wright, M. (2014). Entrepreneurial innovation: The importance of context. *Research Policy* 43(7), 1097-1108.
- Audretsch, D.B., Acs, Z.J & Szerb, L. (2007). Entrepreneurship, economic growth and public policy. *Small business economics* 28 (2-3), 109-122.
- Belás, J., Demjan, J., Habánik, J., Hudáková, M., Sipko, J. (2015) The business environment of small and medium-sized enterprises in selected regions of the Czech republic and Slovakia. *Business Administration and Management* 1(8), 95-110.
- Fuentelsaz, L., González C., Maicas J.P., Montero, J. (2015). How different formal institutions affect opportunity and necessity entrepreneurship, *BRQ Business Research Quarterly* 18(4) 246-258.
- Global Entrepreneurship Monitor (2017). Global Report 2016/17, Global Entrepreneurship Research Association, www.gemconsortium.org
- Grimaldi, R., Kenney, M., Siegel, D.S and Wright, M. (2011). 30 years after Bayh–Dole: reassessing academic entrepreneurship. *Research Policy* 40(8), 1045–1057.
- Hölzl, W. (2010). The Economics of Entrepreneurship Policy: Introduction. *Journal of Industry, Competition and Trade* 10(3), 187-197.
- IPREG. (2011). Entrepreneurship and SME Policies across Europe: The cases of Sweden, Flanders, Austria and Poland, Report 2011:03, *Swedish Agency for Growth Policy Analysis, Östersund, Sweden*.
- Korez-Vide, R., and Tominc, P. (2016). Competitiveness, Entrepreneurship and Economic Growth, Book Chapter of Competitiveness of CEE Economies and Businesses, *Springer International Publishing Switzerland*

- Lundstrom, A., Stevenson, L.(2005). Entrepreneurship Policy: Theory and Practice. Chapter 2 ISEN *International studies in Entrepreneurship*, Springer, New York.
- Lundström, A., Vikström, P., Fink, M., Meuleman, M., Glódek, and Storey, D. (2014). Measuring the Costs and Coverage of SME and Entrepreneurship Policy: A Pioneering Study, *Entrepreneurship Theory and Practice* 38 (4) , 941-957.
- Millman C, Li Z.(2017). Establishing a viable institutional environment for entrepreneurship in China: A case study of Zhejiang province. *Strategic Change* 26(3) 237-242.
- Minniti, M.(2008). The Role of Government Policy on Entrepreneurial Activity: Productive, Unproductive, or Destructive? *Entrepreneurship Theory and Practice* 32(5)779-790.
- Murdock, K.A. (2012). Entrepreneurship policy: Trade-offs and impact in the EU. *Entrepreneurship & Regional Development* , 24(9-10) 879-893.
- OECD (2014). Education at a Glance 2014: OECD Indicators, OECD Publishing, <http://dx.doi.org>
- Parker, S.C.(2005). The Economics of Entrepreneurship: What We Know and What We Don't, *Foundations and Trends in Entrepreneurship*, Boston.
- Plummer, L.A. and Acs, Z. (2014). Localized competition in the knowledge spillover theory of entrepreneurship, *Journal of Business Venturing* 29(1) 121-136.
- Rocha, H., and Birkinshaw, J. (2007). Entrepreneurship Safari: A Phenomenon-Driven Search for Meaning , *Foundations and Trends in Entrepreneurship* 3(3), 205-255.
- Salmi, A.C. (2008). Entrepreneurship Economic Development and Quality of life in third world countries. *Applied Research Quality Life* 3(3)203-213.
- Schumpeter, J. A. (1934). The theory of economic development. *Oxford: Oxford University Press.*
- Soriano. D. R and Martín. M. A. (2012). Government policies to support entrepreneurship. *Entrepreneurship & Regional Development* 24(9-10), 861-864.
- Stenholm, P., J. Acs, Z., & Wuebker, R. (2013). Exploring country-level institutional arrangements on the rate and type of entrepreneurial activity. *Journal of Business Venturing* 28(1), 176-193.
- Storey, D.J. (2008). Evaluating SMES policies and programmes: technical and political dimensions ,*The Oxford handbook of entrepreneurship*. Oxford University Press, 248-278.
- United Nations Industrial Development Organization or Unido (2008).*Creating an enabling environment for private sector development in sub-Saharan Africa. Vienna,p.5.*
- UNCTAD (2012). Entrepreneurship Policy Framework and Implementation Guidance. New York and Geneva, , United Nation, unctad.org.
- Van Praag, M.C. and Versloot, P.H. (2007). What is the value of entrepreneurship? A review of recent research. IZA Discussion Papers , Institute for the Study of Labor (IZA). 29, 351-382.
- Verheul,I., et al. (2001). An eclectic theory of entrepreneurship: policies, institutions and culture. *Tinbergen Institute:6-36* , available through <http://www.tinbergen.nl>.
- World Economic Forum (2017). The Global Competitiveness Report, Switzerland, www.weforum.org
- Worldbank (2017). Doing Business Report,www.doingbusiness.org